

# کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم لاودیکه - شماره نوزده

Jeff Pippenger

2025-12-25

## عدد نوزده

شیر قبیله یهودا نامی برای عیسی است که بر کار مسیح در مهر کردن و سپس گشودن مهر کلام نبوی او تأکید می‌کند. در باب پنجم مکاشفه، شیر قبیله یهودا که همچنین ریشه داوود است، پیروز شد تا کتاب را بگشاید. «ریشه» داوود جسی بود، و ریشه جسی فارز بود، و ریشه او یهودا بود، و ریشه او یعقوب بود، و ریشه او اسحاق بود، و ریشه او ابراهیم بود. وقتی ریشه داوود یا جسی در ارتباط با شیر قبیله یهودا ذکر می‌شود، بر اصول آغاز و انجام تأکید می‌کند، که همان آلفا و امگا است. وقتی در باب نخست مکاشفه، مهر مکاشفه عیسی مسیح گشوده می‌شود، صفت اصلی شخصیت او این است که او آلفا و امگا است. آنچه او هست، همچنین همان اصلی است که برای گشودن نبوت‌هایی به کار می‌رود که شیر قبیله یهودا مهر کرده است، هنگامی که او مقرر می‌کند که زمانش فرارسیده است.

گشوده شدن مهر کلام نبوی خدا جزئی از کار رستگاری خداست، زیرا او از قدرت کلام خود بهره می‌گیرد تا مطابق اراده‌اش بیداری‌هایی پدید آورد. خواهر وایت می‌گوید وقتی کتاب‌های دانیال و مکاشفه بهتر فهمیده شوند، در میان ما بیداری بزرگی دیده خواهد شد. این نور کلام نبوی خداست که مطابق اراده او احیا و اصلاح را پدید می‌آورد.

خواهر وایت، در نگاه به ایام آخر، به یک اصلاح بزرگ که در آن ایام در میان قوم خدا رخ می‌دهد اشاره می‌کند. احیایا و اصلاحات تاریخ مقدس همگی از کلام خدا پدید آمدند، و هر یک از آن دوره‌های مقدس به آخرین احیا و اصلاح عظیم اشاره داشت که اندکی پیش از قانون یکشنبه آغاز می‌شود. آن احیایا بر اثر برداشته شدن مهر از کلام خدا پدید می‌آیند. هفت رعد مهر و موم شده بودند، همان‌گونه که کتاب دانیال در باب دوازدهم مهر و موم شده بود.

وقتی ویژگی‌های نبوتی یک دوره پراکندگی را که با نماد ۱۲۶۰ پیوند دارد به کار می‌گیریم، درمی‌یابیم که در باب یازدهم مکاشفه یوحنا، موسی و ایلیا به مدت سه روز و نیم در خیابان مرده‌اند. تا آیه هجده، زمان خشم خدا فرا رسیده است. موسی و ایلیا نماینده قوم خدا درست پیش از پایان دوره آزمایش بشر هستند. آنان به مدت ۱۲۶۰ روز نمادین در خیابان‌های سدوم و مصر پراکنده‌اند، جایی که عیسی به صلیب کشیده شد.

موسی و ایلیا از آیه سه تا آیه هفت، جایی که در خیابان کشته می‌شوند، قدرت یافتند شهادت خود را ادا کنند. یوحنا در آیه دو اندازه‌گیری هیکل را به پایان رساند، سپس موسی و ایلیا، در حالی که جامه پلاس بر تن داشتند، قدرت یافتند شهادت خود را ادا کنند. پیام ایلیا و موسی در سال ۱۸۴۴ به ادونتیسیم میلریتی فیلادلفیایی داده شد و تا سال ۱۸۶۳، صدای آنان زیر آداب و سنت‌هایی که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، مدفون شد. آنان برای سه سال و نیم قدرت یافتند شهادت خود را ادا کنند، در حالی که "جامه پلاس" بر تن داشتند؛ نمادی از تاریکی فزاینده از ۱۸۶۳ به بعد.

وقتی تعریف خواهر وایت از رعد‌های هفتگانه را به‌عنوان نمایانگر رویدادهای فرشتگان اول و دوم، به شیوه خط بر خط به کار می‌گیریم، تاریخی ترسیم می‌کنیم که با فرود آمدن فرشته‌ای حامل پیام آغاز

می‌شود؛ اما به صورت خط بر خط، آن فرشته هم فرشته اول است و هم فرشته دوم. یکی از آن‌ها در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ یک پای خود را بر خشکی و پای دیگر را بر دریا نهاد، و دیگری در سرخوردگی ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ فرا رسید.

نشانه راه بعدی در هر تاریخ موازی دست خداست که با لوح‌های حقیق مرتبط است. با فرشته اول، نمودار ۱۸۴۳ تهیه شد، اما در برخی از ارقام اشتباهی وجود داشت. با فرشته دوم، دست خدا نشانه راه لوح‌های حقیق است؛ که هنگامی نمایان شد که او دست خود را از روی آن اشتباه برداشت. وقتی او دست خود را برداشت، پیام به تدریج گسترش یافت تا این‌که در اجتماع اردوگاهی اکستر به اوج خود رسید، درست پیش از ناامیدی ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴.

این دو خط یک پیام جهانی را مشخص می‌کنند، زیرا فرشته‌ای که می‌رسد یک پا بر خشکی و یک پا بر دریا می‌گذارد، و الهام به ما خبر می‌دهد که این نمایانگر پیامی جهانی است. آن فرشته همچنین آغاز دوره درنگ را در مثل ده باکره مشخص می‌کند. در این نخستین نشانه راه نیز می‌بینیم که دست خدا دروغی پدید می‌آورد. در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴، از نظر نبوی چنین می‌نمود که گویی رؤیا دروغ گفته است، اما آنان که صبر داشتند، منتظر ماندند، و هرچند رؤیا درنگ کرد، دروغ نگفت. اما هنگامی که خطی که در حال ترسیم آن هستیم آغاز می‌شود، دروغ نخستین سرخوردگی به عنوان ویژگی نخستین نشانه راه مشخص می‌شود.

سپس نشان راه دست خدا و لوح‌های حقیق نشان می‌دهد که خدا اشتباهی را می‌پوشاند و سپس دست خود را از آن اشتباه برمی‌دارد. در تاریخ میلریتی‌ها، این اشتباه از سوی خدا در مه ۱۸۴۲، زمانی که لوح چاپ شد، اجازه داده شد، و پس از آن، وقتی سال ۱۸۴۳ به پایان رسید، آشکار شد؛ اما اندکی بعد از آن بود که خداوند دست خود را از آن اشتباه در ارقام برداشت. آن اشتباه از مه ۱۸۴۲ تا زمانی پس از نخستین ناامیدی ادامه داشت. برای فرشته اول، دست خدا و لوح‌های حقیق در مه ۱۸۴۲ نشان می‌شود، اما برداشته شدن دست او در تاریخ فرشته دوم، اندکی پس از نخستین ناامیدی خواهد بود.

این، نشانه راه «دست» را به عنوان یک دوره نبوی معرفی می‌کند. دوره‌ای که با پوشاندن اشتباهی توسط دست و آغاز می‌شود، و سپس با برداشته شدن دست او از آن اشتباه پایان می‌یابد. این دوره پوشاندن و برداشتن دست او، تصویری است از کار شیر قبیله یهودا آنگاه که او نور نبوی را مهر می‌کند و سپس مهر آن را می‌گشاید. او حقیقت را پوشاند، سپس همان حقیقت را آشکار کرد—در نوری متفاوت که با نور اولیه تناقضی نداشت. او این کار را انجام داد تا احیا و اصلاح فریاد نیمه‌شب میلریتی را پدید آورد.

زمان درنگ که با آمدن فرشته آغاز شده بود، با برداشته شدن دست او پایان یافت و بدین‌سان مهر از نور نبوت برداشته شد؛ نوری که «جنبش ماه هفتم» را آغاز کرد و به پیام «فریاد نیمه‌شب» در گردهمایی اردوگاهی اکستر انجامید؛ جایی که آن پیام به موجی خروشان بدل شد، تا آن‌که به «در بسته» در هنگام سرخوردگی عظیم رسید. تجلی قدرت خدا از طریق گشوده شدن کلام او، احیا و اصلاحی فزاینده پدید آورد.

در سال ۱۸۶۳، جنبش میلریتی لاودیکیه‌ای از عبور از رود اردن منع شد و به سبب سنگسار ایلیا و موسی به بیابان فرستاده شد. پیام ویلیام میلر پیام ایلیا بود، و پیام بنیادی میلر «هفت بار» موسی بود. رد کردن «هفت بار» به معنای کشتن موسی بود، و رد کردن حقیقت بنیادینی که میلر بیان کرده بود به معنای کشتن ایلیا بود. در سال ۱۸۶۳ پیام‌آور و پیام در خیابان به قتل رسیدند، و از آن پس تنها راه یافتنشان جست‌وجوی قبرهایشان در راه‌های کهن ارمیا بود. آنها در خیابان مرده بودند—تا زمانی که رستاخیز کنند. آنها زمانی رستاخیز می‌کنند که «رویدادهای آینده هفت رعد» که قرار است «به ترتیب خود آشکار شوند» در تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار تکرار شوند.

وقتی تاریخ فرشته اول بر روی تاریخ فرشته دوم قرار داده می‌شود، ساختار نبوی نقطه مرجعی پدید می‌آورد برای دنبال کردن دست مسیح، که همان نوری است بر راه فریاد نیمه‌شب. نور اصلی فریاد نیمه‌شب راه را روشن می‌کند و این نور «بازوی راست پرچال» اوست که راه را به سوی بالا هدایت می‌کند.

به نظر می‌رسید در نور احاطه شده‌ام و از زمین هرچه بالاتر و بالاتر بالا می‌رفتم. برگشتم تا در جهان به دنبال قوم ظهور بگردم، اما آن‌ها را نیافتم که صدایی به من گفت: «دوباره نگاه کن، و کمی بالاتر را نگاه کن.» با این سخن، چشمانم را بالا گرفتم و راهی راست و باریک دیدم که بر فراز جهان برافراشته شده بود. بر این راه، قوم ظهور به سوی شهری که در دورترین انتهای راه بود می‌رفتند. در آغاز راه، پشت سرشان نوری درخشان برپا شده بود که فرشته‌ای به من گفت همان «فریاد نیمه‌شب» است. این نور سراسر راه را روشن می‌کرد و برای قدم‌هایشان روشنی می‌بخشید تا نلغزند.

اگر چشم‌های خود را بر عیسی که درست پیشاپیششان بود و آنان را به سوی شهر رهبری می‌کرد دوخته نگاه می‌داشتند، در امان بودند. اما دیری نگذشت که برخی خسته شدند و گفتند شهر بسیار دور است و آنان انتظار داشتند پیش از این وارد آن شده باشند. آنگاه عیسی با بلند کردن بازوی راست پرچالاش آنان را دلگرم می‌کرد، و از بازوی او نوری برمی‌خاست که بر فراز گروه ظهور موج می‌زد، و آنان فریاد می‌زدند: «هللویا!» دیگران با شتاب‌زدگی نور پشت سرشان را انکار کردند و گفتند این خدا نبود که آنان را تا اینجا رهبری کرده بود. نور پشت سرشان خاموش شد و پاهایشان را در تاریکی مطلق رها کرد، و آنان لغزیدند و نشانه و عیسی را از نظر دادند و از راه به پایین، به درون دنیای تاریک و شریر زیر پا، سقوط کردند. تجربه و تعالیم مسیحی ال‌ن جی. وایت، ۵۷.

وقتی مسیح بازوی پرچال خود را بلند می‌کند، او از «دست» خود به‌عنوان نمادی از کار رهبری قوم خویش استفاده می‌کند. وقتی آمدن فرشته دوم را با فرشته اول که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نازل شد در کنار هم قرار می‌دهیم، درمی‌یابیم که هر دو فرشته پیامی در دست‌های خود داشتند.

به من نشان داده شد که تمام آسمان تا چه اندازه نسبت به کاری که بر روی زمین در جریان بود توجه نشان داده بود. عیسی فرشته‌ای نیرومند را مأمور کرد که فرود آید و به ساکنان زمین هشدار دهد تا برای ظهور دوم او آماده شوند. هنگامی که فرشته از حضور عیسی در آسمان بیرون آمد، نوری بسیار درخشان و پرچال پیشاپیش او می‌رفت. به من گفته شد که مأموریت او این بود که زمین را با جلال خود روشن سازد و انسان را از خشم قریب‌الوقوع خداوند برحذر دارد.

...

فرشته نیرومند دیگری مأمور شد که به زمین فرود آید. عیسی نوشته‌ای را به دستش سپرد، و چون به زمین آمد، ندا داد: «بابل سقوط کرده است، سقوط کرده است.» سپس دیدم که نومیدشدگان بار دیگر چشمان خود را به سوی آسمان برافراشتند و با ایمان و امید در انتظار ظهور خداوندشان نگرستند. اما بسیاری چنان می‌نمودند که در حالت کرختی، گویی در خواب، مانده‌اند؛ با این حال می‌توانستم اثر اندوهی ژرف را بر سیمایشان ببینم. نومیدشدگان از کتاب مقدس دریافتند که در زمان تأخیر به سر می‌برند و باید با شکیبایی در انتظار تحقق رؤیا بمانند. همان شواهدی که آنان را بر آن داشت تا در سال ۱۸۴۳ در پی خداوندشان باشند، ایشان را بر آن داشت که در سال ۱۸۴۴ انتظار او را داشته باشند. با این حال دیدم که اکثریت دیگر آن شور و نیرویی را که ایمانشان را در سال ۱۸۴۳ مشخص می‌کرد، نداشتند. نومیدی‌شان ایمانشان را سست کرده بود. نوشته‌های نخستین، ۲۴۶، ۲۴۷.

هر دو فرشته جزو سه فرشته‌ای هستند که در کنار هم یک نماد واحد را تشکیل می‌دهند؛ از این رو از نظر پیامی که نمایندگی می‌کنند همسو هستند، هرچند هر یک پیام منحصر به فرد خود را نمایندگی

می‌کند. هر دو فرشته در دست‌هایشان «نوشته‌ای» دارند که نشان‌دهندهٔ یک آزمون است. «فرشتگان نخست و دوم باید به موازات» فرشته سوم حرکت کنند.

خدا برای پیام‌های مکاشفهٔ ۱۴ جایگاه‌شان را در سلسلهٔ نبوت مقرر کرده است، و کار آنها تا پایان تاریخ این زمین متوقف نخواهد شد. پیام‌های فرشتگان نخست و دوم همچنان حقیقتی برای این زمان‌اند و باید همگام با آنچه در پی می‌آید پیش بروند. فرشته سوم هشدار خود را با صدایی بلند اعلام می‌کند. «پس از این امور»، یوحنا گفت: «دیدم فرشته دیگری که قدرتی عظیم داشت، از آسمان فرود آمد، و زمین از جلال او روشن شد.» در این روشنایی، نور هر سه پیام با هم ترکیب شده است. مواد ۱۸۸۸، ۸۰۳، ۸۰۴.

خواهر وایت فرشته سوم را به‌عنوان فرشتهٔ مکاشفهٔ هجده شناسایی می‌کند و تصریح می‌نماید که فرشتگان اول و دوم باید به‌طور موازی با تاریخ نبوی‌ای که توسط فرشته سوم مکاشفه هجده نمایندگی می‌شود، پیش بروند. از این‌رو، او نزول فرشتهٔ اول در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ را با ۹/۱۱ هم‌راستا می‌کند و بیان می‌دارد که فرشتهٔ مکاشفه هجده همان «فرشته سوم» است. فرشته سوم آخرین آن سه فرشته است و به‌وسیلهٔ فرشتهٔ اول به‌صورت نمونه‌وار بازنمایی می‌شود، و به همین دلیل خواهر وایت به ما اطلاع می‌دهد که مأموریت فرشتهٔ اول با مأموریت فرشتهٔ مکاشفه هجده یکسان بود، زیرا مأموریت هر دو فرشته این بود که «زمین را با جلال خود روشن سازد».

«هفت رعد» بیانگر ترسیم سلسله‌ای از رویدادها در تاریخ فرشتهٔ اول و دوم است که در تاریخ فرشتهٔ سوم تکرار خواهد شد. الهام الهی چنین هدایت کرده است که وقتی این تاریخ‌ها را «سطر بر سطر» با هم هم‌راستا می‌کنیم، نزول فرشتهٔ اول در سال ۱۸۴۰ با نزول او در ۱۱ سپتامبر هم‌تراز می‌شود. این امر پیام آزمایشی‌ای را که باید به همراه دو شاهد خورده شود مشخص می‌کند و یک ناامیدی را با نخستین نشانهٔ راه هم‌راستا می‌کند.

«هفت رعد» نمایانگر دوره‌ای پیشگویانه است که با یک سرخوردگی آغاز می‌شود و با سرخوردگی بزرگ‌تری پایان می‌یابد.

وقتی خط نبوتی نزول فرشتهٔ اول با ورود فرشتهٔ دوم هم‌راستا شود، حاصل آن «ساختاری از حقیقت» است. حقیقت به‌صورت سه گام تعریف می‌شود؛ گام نخست و پایانی یکسان‌اند و گام میانی نمایانگر تمرّد است. هم‌راستا کردن دو فرشته نخست با این الگو، ساختاری پدید می‌آورد که از فرشتهٔ اول و دوم تشکیل شده و فرشته سوم مکاشفه هجده را به تصویر می‌کشد، و فرشته سوم مکاشفه هجده ترکیبی از هر دو فرشته اول و دوم است.

فرشته سوم مکاشفهٔ باب هجدهم از دو صدا تشکیل شده است. صدای نخست زمانی تحقق یافت که ساختمان‌های نیویورک در ۱۱ سپتامبر فرو ریختند و صدای دوم آیهٔ چهارم «قانون یکشنبه» است. در بازهٔ زمانی از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه، فرشته سوم مکاشفهٔ باب هجدهم نمایانگر ترکیبی از فرشتهٔ اول و دوم است. بر این اساس، به‌کارگیری تاریخ آن دو فرشته به شیوهٔ «خط بر خط» برای بازنمایی تاریخ فرشته سوم مکاشفهٔ باب هجدهم یعنی هم‌راستا کردن فرشته اول و دوم با فرشته اول و دوم.

دو فرشته در نخستین سرخوردگی می‌رسند، و هر دو فرشته از نظر نبوی با هم مرتبط‌اند، و هر دو حامل پیامی امتحانی هستند که در دست فرشته است. نشانهٔ راه بعدی که در این خط نمایان می‌شود لوح‌های حقوق است که مستقیماً با دست خدا مرتبط‌اند. در خط فرشتهٔ نخست، نمودار ۱۸۴۳ در ماه مه ۱۸۴۲ تهیه شد، و در خط فرشته دوم، هیچ نموداری وجود نداشت. با رسیدن فرشته دوم، آن نمودار پایان یافته بود. نشانهٔ راه لوح‌های حقوق در خط فرشته دوم عبارت است از برداشته شدن دست خدا از اشتباهی در اعداد نمودار ۱۸۴۳.

دست او اشتباهی را در نشانهٔ راه فرشتهٔ اول پوشاند، و همان دست در همان نشانهٔ راه، در خط فرشتهٔ دوم برداشته شد. از این رو، نشانهٔ راه لوح‌های حبقوق در خطوط موازی فرشتهٔ اول و دوم بیانگر دو مرحله است. در مرحلهٔ نخست، دست او اشتباهی را می‌پوشاند، و در پایان دورهٔ نشانهٔ راه لوح‌های حبقوق، او دستش را برمی‌دارد. زمان درنگ با آمدن فرشتهٔ دوم آغاز شد و پایان آن به تدریج رخ می‌دهد و با برداشته شدن دست او آغاز می‌شود. نشانهٔ راه لوح‌های حبقوق دوره‌ای از زمان را نشان می‌دهد که در آغاز با دست مسیح و در پایان نیز با دست او نشان‌گذاری شده است.

در نخستین ناامیدی، دو دست نشان می‌خورند و هر دو پیامی آزمایشی دارند که باید گرفته و خورده شود. سپس دوره‌ای از زمان نبوی، که نمایانگر حقایق بنیادین است، با پوشاندن دست خدا آغاز می‌شود و با کنار رفتن دست او پایان می‌یابد. نشانهٔ راه بعدی، اجتماع اردوگاهی اکستر است که در آن فریاد نیمه‌شب کسانی را که می‌خواهند دست مسیح را تا ورود به قدس‌الاقداص پیروی کنند، جدا و تطهیر می‌کند.

هنگامی که مسیح به قدس‌الاقداص داخل شد، دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و سوگند خورد که دیگر زمانی در کار نخواهد بود. او تازه «هفت رعد» را که نمایانگر تاریخ دو فرشتهٔ نخست است و در تاریخ فرشتهٔ سوم تکرار می‌شود، مهر و موم کرده بود. او «هفت رعد» را، چنان‌که در باب دوازدهم، نبوت‌های دانیال را مهر و موم کرده بود، مهر و موم کرد. در باب دوازدهم دانیال، در نخستین سه دورهٔ زمانی نمادین، مسیح هر دو دست خود را به سوی آسمان برافراشته می‌کند و اعلام می‌نماید که هنگامی که پراکندگی قوم خدا به پایان برسد، کسانی که «مایه شگفتی مردمان» می‌شوند، تطهیر شده و همچون قربانی برافراشته خواهند شد. ساختار فرشتگان اول و دوم که اکنون در حال بررسی آن هستیم، در هر گام دست خدا را به‌طور نمادین آشکار می‌سازد.

وقتی او حقیقت را می‌پوشاند، نومییدی پدید می‌آید، و هنگامی که دستش را برمی‌دارد، نور پدید می‌شود، و آن نور، نور پیام فریاد نیمه‌شب است. از نخستین نومییدی تا نومییدی بزرگ، امضای آلفا و امگا را بر خود دارد و در ساختار حقیقت بیان شده است. آغاز نمایانگر پایان است، و نشانهٔ راه میان آن دو نومییدی، اثر مهر و گشودن لوح‌های حبقوق را به تصویر می‌کشد که خود گشودن راه‌های کهن ارمیاست و نمایانگر بنیادی است که معبد بر آن پیشاپیش قانون یکشنبه بنا می‌شود، آنگاه که معبد به پایان رسیده بر فراز همهٔ کوه‌ها برافراشته می‌گردد. نشانهٔ راه میانی در کلام حقیقت، نمایانگر شورش است، و در تاریخی که با جدایی نهایی گندم و علف‌های هرز نشان داده می‌شود، شورش دوشیزگان نادان را آشکار می‌سازد.

شورشی که با نشان راه لوح‌های حبقوق معرفی شده، به صورت پیش‌رونده بازنمایی می‌شود؛ زیرا یک نشان راه واحد نیست، بلکه دوره‌ای است با آغازی و پایانی معین، چنان‌که با دست خدا نشان داده شده است. دست خدا در نخستین نومییدی دو بار حاضر است، زیرا دو فرشته هستند که هر دو پیامی در دستان خود دارند. نشان راه بعدی شورش دارای دستی برای آغاز و دستی برای پایان است؛ پس در ویژگی‌های نبوی خود نیز دو دست دارد. سومین نشان راه نومییدی بزرگ‌تر، مسیح را در حال بالا بردن دست خود و سوگند خوردن به آسمان معرفی می‌کند، دقیقاً در همان بخشی که هفت رعد مهر و موم می‌شوند، چنان‌که باب دوازدهم دانیال نیز مهر و موم شده بود. در همان نقطه‌ای که فرشتهٔ پایان ساختار نبوی دو فرشتهٔ نخست را که اکنون در حال بررسی آن‌ها هستیم علامت می‌گذارد، او به کاربرد زمان نبوی پایان می‌دهد و خود را در بخشی موازی در کتاب دانیال قرار می‌دهد، جایی که نه یک دست، بلکه هر دو دست خود را بالا می‌برد.

در دانیال باب دوازدهم سه دورهٔ نبوی وجود دارد که در ایام آخر از مهر گشوده می‌شوند، زیرا این همان چیزی است که در ایام آخر بر قوم خدا واقع می‌شود. نخستین نکته‌ای که در آخرین رؤیای اوچ‌دار

دانیال ذکر شده این است که دانیال—که نمایندهٔ باقی‌ماندگان قوم خداست—هم خود امر را فهمید و هم رؤیا را. آخرین چیزی که دانیال ثبت کرده این است که چگونه افزایش دانش توسط «شیر قبیلهٔ یهودا» به کار گرفته شد تا احیای نهایی و اصلاح را در میان قوم خدا که به عنوان «فهمندگان» شناخته می‌شوند پدید آورد. او کار مهر کردن قوم خویش را از راه گشودن «هفت رعد» مکاشفه، در پیوند با گشودن «سه دوره» ی باب دوازدهم دانیال، به انجام می‌رساند.

وقتی عیسی مشخص می‌کند که در پایان سه روز و نیم نبوی پراکندگی قدرت قوم خدا، همهٔ «عجایب» به پایان می‌رسد—او ژوئیه ۲۰۲۳ را مشخص می‌کند؛ زمانی که سه روز و نیم مرگ در خیابان‌های مکاشفه باب یازدهم به پایان رسید. اکنون عجایب پیش از قانون یکشنبه خاتمه خواهد یافت. او ژوئیه ۲۰۲۳ را با بالا بردن نه یک، بلکه هر دو دست، علامت زد. با این کار، پایان زمان تأخیر را نشان داد، همان‌گونه که زمانی دست خود را از روی اشتباه در تاریخ میلری‌ها برداشت. نخستین ناامیدی در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ رخ داد، مطابق نمونه نخستین ناامیدی میلری‌ها، و زمان تأخیر آغاز شد و ادامه یافت تا اینکه او در ژوئیه ۲۰۲۳ بار دیگر دست خود را دراز کرد تا قوم بازمانده خود را گرد آورد.

نخستین ناامیدی با دست خدا که اشتباهی را می‌پوشاند نمایانده می‌شود؛ اشتباهی که برای پیروان میلر عبارت بود از تعیین سال ۱۸۴۳ به جای ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴. آن ناامیدی در آیه دوازدهم باب دوازدهم نمایانده شده است. نخستین ناامیدی با دست او که اشتباهی را می‌پوشاند نمایانده می‌شود و به صورت نمادین توسط پیروان میلر که به نخستین ناامیدی رسیدند نشان داده شد. واژه در آیه دوازدهم «cometh» است. خوشابحال کسی که انتظار می‌کشد، و که به «cometh» خوشابحال کسی که به ناامیدی ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ «cometh». واژه‌ای که به «cometh» ترجمه شده به معنای «لمس کردن» است. پیروان میلر نخستین ناامیدی خود را هنگامی تجربه کردند که سال ۱۸۴۳ به سال ۱۸۴۴ رسید. آیه دوازدهم باب دوازدهم دانیال نخستین ناامیدی ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ را مشخص می‌کند، اما به طور مستقیم‌تر نخستین ناامیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را.

دورهٔ نبوتی نخست و دورهٔ نبوتی واپسین از سه دوره‌ای که در وقت آخر مهرشان برداشته می‌شود، زمانی که دانش افزون می‌گردد و جدایی نهایی گندم و علف‌های هرز به انجام می‌رسد و بدین‌سان برداشته شدن مهر از نور نبوتی‌ای که بر صد و چهل و چهار هزار مهر می‌نهد مشخص می‌شود، همان یک دورهٔ نبوتی‌اند.

بازهٔ زمانی نخست آیهٔ هفت، پایان پراکندگی سه‌ونیم روز باب یازدهم مکاشفه در ژوئیه ۲۰۲۳ است، و بازهٔ زمانی آیهٔ دوازدهم، آغاز همان پراکندگی در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ است. آلفا و امگا تاریخ هفت رعد در باب دوازدهم دانیال را به‌عنوان تاریخی مشخص کرده بود که از نومیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ آغاز می‌شود و سه‌ونیم روز نمادین بعد، در ژوئیه ۲۰۲۳ پایان می‌یابد. به همان اندازه مهم این است که وقتی آلفا و امگا آغاز و پایان دورهٔ درنگ نهایی را مشخص کرد، او نه یک، بلکه هر دو دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و به آن که تا ابدالآباد زنده است سوگند خورد.

پسر خدا که پسر انسان است، درست همان‌جا با پدر سوگند یاد می‌کند که اوچ داستان قوم عهد خدا آغاز شد، وقتی مسیح نخست ابرام را با وعده‌ای فراخواند و سپس آن وعده را با سوگندی تأیید کرد. کفش‌هایت را درآور، تو بر زمین مقدس ایستاده‌ای!

حرف میانی سه دورهٔ نبوتی چیزی جز تحقق امگایی نبوت زمانی عهد ۴۳۰ سالهٔ ابرام و پولس نیست، چنان‌که در ۱۲۹۰ سال آیهٔ یازدهم نشان داده شده است. برداشت میلریتی از این آیه دوره‌ای سی‌ساله برای آمادگی پاپیت را مشخص می‌کند، و سپس ۱۲۶۰ سال جفای پاپی را که در پی می‌آید. ۴۳۰ سال ابرام نمایانگر بندگی و رهایی در یک ملت معین است، همراه با سی سال نخست که نمایانگر ورود خداوند به عهد با ابرام است. سی سال آمادگی برای کاهنان در ۱۹۸۹، در وقت آخر آغاز شد، و این سی

سال در قانون یکشنبه پایان می‌یابد؛ آن‌گاه که آیه تصریح می‌کند رجاست ویرانگر برپا خواهد شد، و سپس به مدت ۱۲۶۰ سال نمادین بر قوم خدا جفا خواهد کرد که با ۴۲ ماه نمادین یوحنا در مکاشفه باب سیزده هم‌راستا است.

جنبش اصلاحی یکصد و چهل و چهار هزار در سال ۱۹۸۹ آغاز شد، هنگامی که خداوند کار آماده‌سازی گروهی از کاهنان را برای خدمت در هنگام بحران نیمه‌شب، که با قانون یکشنبه آغاز می‌شود، شروع کرد. آلفا و امگا بر آب هیدکل ایستاد و هر دو دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و سوگند خورد که هنگامی که پراکندگی از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا ژوئیه ۲۰۲۳ به انجام برسد، شگفتی‌های مرتبط با کار مسیح در پیوند دادن الوهیتش با انسانیت به پایان خواهند رسید.

این همان اعلام فصل دهم است، در راستای هفت رعد؛ زیرا او نه تنها در آن‌جا به کاربرد زمانی نبوی پایان داد، بلکه همچنین اعلام کرد که در روزهای نواخته شدن کرنای هفتم، سر خدا به پایان خواهد رسید. بخش موازی در دانیال فصل دوازدهم مشخص می‌کند که با پایان یافتن پراکندگی در ژوئیه ۲۰۲۳، تکمیل مهر کردن قوم خدا نیز به پایان می‌رسد؛ امری که نواخته شدن کرنای هفتم نمایانگر آن است و در هر دو بخش موازی با بالا بردن دست از سوی مسیح و سوگند یاد کردن او هم‌زمان بود.

دوره نبوتی نخست و دوره نبوتی آخر پیام سه‌گانه دانیال دوازده دارای نشانه آلفا و امگا است. دوره نخست آیه هفت پایان همان دوره‌ای را مشخص می‌کند که آیه دوازده آغازش را نشان می‌دهد. در میانه آیات هفت و دوازده، تاریخ زمان پایان از سال ۱۹۸۹ تا بسته شدن مهلت نمایانده می‌شود. در میانه دوره آلفای آیه هفت و تاریخ امگای آیه دوازده، شورش نهایی بشر از قانون یکشنبه تا زمانی که میکائیل می‌ایستد نمایانده می‌شود، و این در همان فصلی نمایانده می‌شود که میکائیل در آن می‌ایستد.

شورش دوره میانی در وهله نخست تاریخ بیرونی شورش است، اما سی سال نخست تاریخ درونی آمادگی کاهنانی است که در روپارویی مستقیم با نیروهای بیرونی‌ای قرار دارند که در دوره ۱۲۶۰ پسین نمایان می‌شوند.

دوره میانی نمایانگر شورش حرف سیزدهم الفبای عبری است و هنگام به تصویر کشیدن نبرد نهایی مناقشه بزرگ بر سیاره زمین، در حالی که دوره مهلت ادامه دارد، با بعد درونی نیز ترکیب می‌شود. این ترکیب بعد بیرونی و درونی همچنین پیام آخرین رؤیای دانیال است که با رودخانه Hiddekel و سه فصلی که آن‌ها نیز امضای آلفا و امگا را بر خود دارند و بر ساختار حقیقت بنا شده‌اند، نمایانده می‌شود. فصل نخست و فصل آخر به مهر شدن قوم خدا می‌پردازند؛ قومی که به صورت ستارگانی که تا ابد می‌درخشند، به تصویر کشیده شده‌اند. فصل میانی شورش همان تاریخی را مشخص می‌کند که در آیه یازدهم با ۱۲۹۰ سال نمایانده شده است، که آن آیه، آیه میانی همان ساختار است.

وقتی مسیح دست خود را در چارچوب نبوی به کار می‌گیرد، این امر نمایانگر حقایق بسیاری است، اما همچنین نمایانگر راهی است که او قوم خود را در آن هدایت می‌کند. مکاشفه عیسی مسیح از ژوئیه ۲۰۲۳ آغاز به گشوده شدن کرد. این گشودن، شامل گشوده شدن هفت رعد و پیام دانیال است، چنان‌که در باب دوازدهم نمایانده شده است. این مهرگشایی در تاریخ پنهان آیه چهل رخ می‌دهد؛ تاریخی که در سال ۱۹۸۹ آغاز شد و در «قانون یکشنبه» به پایان می‌رسد. در آن تاریخ، قوم خدا مهر خواهند شد، و ایشان به وسیله افاضه روح‌القدس مهر می‌شوند. افاضه نهایی روح‌القدس در باب هشتم مکاشفه مشخص شده است، جایی که به صورت مهر هفتم، و بنابراین مهر نهایی، نمایانده می‌شود. شیر قبیله یهودا در باب پنجم پیروز شد تا کتاب مهرشده با هفت مهر را بگشاید.

مهر ششم در پایان فصل ششم این پرسش را مطرح کرد که چه کسی در دوره‌ای که دیگر شفاعتی برای گناه وجود ندارد، خواهد توانست ایستادگی کند.

زیرا روز عظیم غضب او فرا رسیده است؛ و کیست که بتواند بایستد؟ مکاشفه ۶:۱۷.

باب بعد، یا اگر بخواهید بگویید آیه بعد، موضوع مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر و جمعیت عظیمی را معرفی می‌کند که در جریان بحران قانون یکشنبه به پادشاهی خدا گردآوری می‌شوند. یکصد و چهل و چهار هزار نفر پاسخ پرسش مهر ششم‌اند. پس از آنکه آنان در باب هفتم به تصویر کشیده می‌شوند، آنگاه باب هشتم برداشته شدن مهر هفتم و نهای را مشخص می‌کند.

و چون مهر هفتم را گشود، در آسمان نزدیک به نیم ساعت سکوت برقرار شد. و هفت فرشته را دیدم که در حضور خدا ایستاده بودند؛ و به ایشان هفت شیپور داده شد. و فرشته‌ای دیگر آمد و نزد مذبح ایستاد، که مجمری زرین در دست داشت؛ و بخور بسیار به او داده شد تا آن را با دعاهای همه مقدسان بر مذبح طلایی که در برابر تخت بود تقدیم کند. و دود بخور، که همراه با دعاهای مقدسان بود، از دست فرشته به حضور خدا بالا رفت.

و فرشته مجمره را گرفت و آن را از آتش مذبح پر کرد و آن را به زمین انداخت؛ و صداها و رعداها و برق‌ها و زلزله‌ای رخ داد. مکاشفه ۸:۱-۵.

«آتش»، که در باب ششم اشعیا به صورت «اخگر» نمایان شده و به گفته خواهر وایت نمادی از تطهیر است، از مذبح برداشته شده و بر زمین افکنده می‌شود. «آتش» از آسمان در پنطیکاست به صورت زبان‌هایی از «آتش» نمایان شد. «آتش» همان چیزی است که «فرستاده عهد» برای پاک ساختن پسران لاولی به کار می‌برد.

«بیل او در دست اوست، و خرمنگاه خود را به کلی پاک خواهد کرد، و گندم خود را در انبار جمع خواهد کرد.» متی ۱۲:۳. این یکی از زمان‌های پاکسازی بود. به واسطه سخنان حقیقت، گاه از گندم جدا می‌شد. چون چنان خودبین و خودعادل بودند که توبیخ را نپذیرند، و چنان دنیا دوست که زندگی فروتنانه را قبول نکنند، بسیاری از عیسی روی برتافتند. هنوز هم بسیاری همین کار را می‌کنند. امروز نیز نفوس همان‌گونه آزموده می‌شوند که آن شاگردان در کنیسه کفرناحوم آزموده شدند. وقتی حقیقت به دل می‌نشیند، می‌بینند که زندگی‌شان مطابق اراده خدا نیست. نیاز به تغییری کامل در خود می‌بینند؛ اما حاضر نیستند کار انکار نفس را بر عهده گیرند. پس وقتی گناهانشان بر ملا می‌شود خشمگین می‌شوند. رنجیده می‌روند، همان‌گونه که آن شاگردان عیسی را ترک کردند و زیر لب می‌گفتند: «این سخن سخت است؛ چه کسی می‌تواند آن را بشنود؟» آرزوی اعصار، ۳۹۲.

آتش همان است که بر قربانی ایلیا فرود آمد، همان‌گونه که بر قربانی‌ای که جدعون برای فرشته تقدیم کرد نیز فرود آمد. «آتش» تطهیر کلام خداست، زیرا مقدس شدن یعنی به وسیله کلام او تقدیس شدن. آن «آتش»ی که هنگام گشوده شدن مهر هفتم به زمین افکنده می‌شود، نشان‌دهنده قدرت یافتن پیام نبوی‌ای است که مهر آن در ایام آخر گشوده می‌شود، در هنگام به صدا درآمدن شیپور هفتم، در جریان تحقق نهای و کامل رویدادهایی که به وسیله هفت رعد نمایانده شده‌اند و به وسیله سه دوره نبوی فصل دوازدهم دانیال، که تا ایام آخر مهروموم شده بودند، تأیید می‌شوند.

مکاشفه عیسی مسیح که درست پیش از پایان دوره فرصت بشر مهرش گشوده می‌شود، شامل گشوده شدن هفت رعد، گشوده شدن مهر هفتم، گشوده شدن باب دوازدهم دانیال، و گشوده شدن تاریخ پنهان آیه چهل باب یازدهم دانیال است؛ همان تاریخی که در آن فرشته از مرد پوشیده در کتان پرسید پایان این شگفتی‌ها چه خواهد بود.

مرد پوشیده از کتان پاسخ داد و گفت— وقتی به پایان زمان درنگ در ژوئیه ۲۰۲۳ برسید، به دوره مهر و موم شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر رسیده‌اید.

او همچنین گفت— در پایان سه روز و نیم نمادین فصل یازدهم مکاشفه، پیامی نبوی از کتاب دانیال از حالت مهر و موم بیرون خواهد آمد، چنان‌که به وسیله «وقت آخر» در سال ۱۷۹۸ نمونه‌وار نشان داده شده است. حقیقتی که سپس، در پایان سه روز و نیم نمادین، از حالت مهر و موم بیرون خواهد آمد، در همان نه آیه از کتاب دانیال یافت خواهد شد که مهر شدن و گشوده شدن کتاب دانیال را مشخص و تعریف می‌کنند.

این موارد را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

هنگامی که مسیح به این زمین آمد، سنت‌هایی که نسل به نسل منتقل شده بودند و تفسیر انسانی کتاب‌های مقدس، حقیقت را آن‌گونه که در عیسی است از دید انسان‌ها پنهان کردند. حقیقت زیر توده‌ای از سنت دفن شد. معنای روحانی مجلدات مقدس از دست رفت؛ زیرا انسان‌ها در بی‌ایمانی خود، در گنج آسمانی را قفل کردند. تاریکی زمین را پوشاند، و تاریکی غلیظ مردمان را فرا گرفت. حقیقت از آسمان به سوی زمین نگرست؛ اما نشان الهی در هیچ جا آشکار نشد. تیرگی‌ای همچون کفن مرگ سراسر زمین را فراگرفت.

اما شیر سبط یهودا غالب شد. او مهری را گشود که کتاب تعلیم الهی را بسته بود. به جهان اجازه داده شد تا بر حقیقت ناب و دست‌نخورده بنگرد. خود حقیقت فرود آمد تا تاریکی را عقب براند و خطا را خنثی کند. معلمی از آسمان فرستاده شد با آن نوری که بنا بود هر انسانی را که به جهان می‌آید روشن سازد. مردان و زنانی بودند که مشتاقانه در پی دانش و کلام نبوت استوار بودند، و چون آمد، همچون نوری بود که در جای تاریک می‌درخشید. اسپالدینگ مگان، ۵۸.

کاتبان و فریسیان مدعی بودند که کتاب مقدس را تفسیر می‌کنند، اما آن را مطابق با اندیشه‌ها و سنت‌های خود تفسیر می‌کردند. رسوم و اصولشان بیش‌ازپیش سخت‌گیرانه شد. در معنای روحانی‌اش، کلام مقدس برای مردم همچون کتابی مهر و موم‌شده شد که بر درک آنان بسته بود. نشانه‌های زمان، ۱۷ مه ۱۹۰۵.